

بررسی میزان همبستگی مولفه های موثر بر طراحی مجموعه ی چند منظوره با هدف توانمندسازی زنان

سپیده اباذری¹، مریم رزقی^{2*}

1- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پردیسان، solaleha25@gmail.com

2- دکترای شهرسازی، استاد دانشگاه پردیسان، rezghi.maryam@yahoo.com

N

چکیده

زنان سرپرست خانوار فقیر یکی از گروه های آسیب پذیر جامعه هستند. این زنان علاوه بر نقش های متداول زنان در خانواده، متولی نقش های مربوط به "سرپرستی خانوار" شامل دو رکن کلیدی "تأمین معیشت" و "اداره و مدیریت" خانوار نیز هستند. تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان همبستگی مولفه های موثر بر طراحی مجموعه ی چند منظوره با هدف توانمندسازی زنان در شهر سرخورد استان مازندران پیش برده شده است. در این راستا پژوهشی پیمایشی در جامعه هدفی متشکل از 100 زن در شهر سرخورد صورت پذیرفته است. برای جمع آوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده و برای بررسی و رسیدن به اهداف از روش مشاهده، اسناد و مدارک، پرسش نامه و مصاحبه حضوری استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون های همبستگی پیرسون با استفاده از نرم افزار Smart PLS استفاده شد. متغیرهای آراستگی فضای کار، امنیت محیطی، توجه به حریم و فضاهای بسته، توجه به طبیعت و شاد بودن فضا، دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی، شخصی سازی فضاها، تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده و رعایت ایمنی در طراحی تاثیر مثبت و موثری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار سرخورد داشته است. همچنین متغیرهای شاد بودن فضا، امنیت محیطی، تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده، آراستگی فضای کار، توجه به حریم و فضاهای بسته به ترتیب بیشترین تاثیر را بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر سرخورد داشته اند.

واژه های کلیدی: توانمند سازی، زنان سرپرست خانوار، مرکز چند منظوره، همبستگی

1- مقدمه

1-1- بیان مسئله

در عصر حاضر، با مطرح شدن مفهوم عاملیت انسانی در نظریات توسعه، یکی از شاخص های مهم برای سنجش توسعه ی هر کشور، وضعیت زنان و سطح توانمند سازی این قشر می باشد. از آنجا که تعداد زنان سرپرست خانوار به جهت افزایش نرخ طلاق، افزایش نرخ جرایم اجتماعی، افزایش تعداد زندانیان، اعتیاد یا مهاجرت سرپرست خانوار روندی صعودی دارد، توجه بر توانمندسازی این قشر آسیب پذیر متمرکز گردیده است. در تایید این مدعا اینکه، بر اساس نتایج سرشماری 1385 نسبت سرپرستان خانوار زن به 9,46 درصد و سهم زنان از سرپرستی خانوارها در سال 1390 (12/1 درصد) بوده است [1].

زنان بی سرپرست و مشکلات آنان یکی از آسیب های اجتماعی است که در نتیجه آسیب های دیگری همچون جنگ، طلاق، چند همسری، فوت، اعتیاد، مهاجرت و... به وجود می آید. تعداد زیادی از این زنان با سختی های بسیاری در جامعه روبرو می شوند. "در کنار مشکلات متعدد، مشکلات اقتصادی این زنان نقش پررنگ تری را در زندگی شان ایفا می کند که موجب شده هم زنان

بی سرپرست و بد سرپرست و هم فرزندان آنها جزء آسیب پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی باشند [2]. بنابراین جامعه برای کمک به این افراد، نیازمند توانمندسازی این قشر می باشد. "توانمندسازی فرآیندی است که طی آن افراد برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت هایی انجام می دهند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود میشود. این واژه به مفهوم غلبه بر نابرابری های بنیانی است" [3].

با توجه به اهمیت رسیدگی به این زنان و نیازهای آنان، مراکزی برای حمایت و توانیابی آنان در سطح کشور وجود ندارد. در واقع در برنامه های تامین اجتماعی این زنان مورد بی توجهی قرار گرفته اند. همچنین فضای کاری این زنان اغلب سلب و در مقیاس های کوچک و زیرزمینی می باشد و نبود شرایط محیطی مناسب در روحیه و بازدهی آنها تاثیرگذار است. از اینرو معیارهای طراحی معماری مراکز توانمندسازی که باعث افزایش میزان حس لذت بخشی و فعالیت زنان و ترجمه آنها در فرآیند توانمندی که منجر به ایجاد حس تعلق و شور متناسب با فعالیت های موجود در آن می گردد، استخراج شده است. با پیروی از متون تحقیق و مبنای نظری تحقیق آنچه در روند توانمندسازی و فضای فعالیتی زنان از بعد معماری تاثیر گذار است شامل موارد زیر می باشد:

1- عوامل اجتماعی و روانشناختی شامل (توجه به حریم و فضاهای بسته، توجه به طبیعت و شاد بودن فضا، تفکیک جنسیتی در محیط کاری، دلبستگی به مکان فعالیتی و تعلق فضایی، شخصی سازی فضاها، تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده، رعایت ایمنی)

2- عوامل کالبدی و اجتماعی (آراستگی فضای کاری-شخصی کردن فضاها و تفکیک پذیری، دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی، وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری، طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط، فرم و شکل فضایی مناسب، ایجاد تنوع فضایی، امنیت محیطی) می باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده مسئله اصلی تحقیق بررسی میزان همبستگی مولفه های موثر بر طراحی مجموعه ی چند منظوره با هدف توانمندسازی زنان می باشد.

1-2- اهمیت و ضرورت پژوهش

جامعه ایران حدود ۱۰۰ سال است که در معرض تغییرات اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته است و یکی از نشانه های این تغییرات افزایش آمار زنان سرپرست خانوار می باشد. زنانی که به گواهی آمار جزء فقیرترین اقشار می باشند و این باعث آسیب پذیر بودن خانواده هایی می شود که زن در آن خانواده ها سرپرست خانوار است [4]. با این وجود، وفاق عمومی که بر سر مسأله ی آسیب پذیر دانستن زنان سرپرست خانوار وجود دارد، موجب شده که بسیاری از دستگاه های محلی، ملی، جهانی، خود را دست اندرکار گر گشایی از مسائل این زنان و خانواده های آن ها بدانند و در جهت تواناسازی و حمایت از آنان تا رسیدن به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب فعالیت کنند [5]. یافته ها نشان می دهد که قوانین و منابع دسترسی زنان در زمینه خدمات اقتصادی اجتماعی کافی نبوده و آنان را آسیب پذیر می سازد. این ساختارها (قوانین و منابع) شامل: سیستم خانواده، شرایط شغلی زنان و سیستم های حمایتی است [6].

در سال های اخیر، در جوامع در حال توسعه «یکی از شاخص های نوسازی اقتصادی ملی و توسعه ی اجتماعی، مشارکت زنان و ایفای نقش آنها در ساختارهای اقتصادی است» [7]. لذا با کارآفرینی برای زنان بی سرپرست و بد سرپرست، می توان موجب بازگشت آنان به چرخه اقتصاد و بهبود شرایط اقتصادی در سطح جامعه شد. با توجه به نبود مراکزی بمنظور حمایت، ارائه آموزش های مختلف و کارآفرینی این زنان، لزوم طراحی چنین مراکزی دیده می شود. از طرفی اینگونه مراکز توانمندسازی زنان سرپرست خانوار باید شرایط فیزیکی و روانشناختی متناسب با روحیات این قشر آسیب پذیر طراحی گردد که با توجه به پژوهش های بررسی شده معیارهای طراحی اینگونه فضاها استخراج گردیده است، بنابراین بررسی میزان همبستگی مولفه های موثر بر طراحی مجموعه ی چند منظوره با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانواده را ضروری می نماید.

از طرفی شهر سرخورد از توابع شهرستان محمودآباد استان مازندران با جمعیت حدود 12 هزار نفر، دارای تعداد نسبتاً بالایی از زنان سرپرست خانوار (100 نفر) می باشد که نیاز به ایجاد یک مجموعه چند منظوره توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را در این شهر ضروری می نماید.

3-1- اهداف پژوهش

هدف اصلی شامل بررسی میزان همبستگی مولفه های موثر بر طراحی مجموعه ی چند منظوره با هدف توانمندسازی زنان است. اهداف فرعی شامل موارد زیر می باشد:

- 1- شناسایی عوامل موثر بر طراحی مجموعه چند منظوره جهت توانمندی و عزت نفس زنان سرپرست خانوار
- 2- بررسی میزان همبستگی عوامل موثر بر طراحی مجموعه چند منظوره جهت توانمندی و عزت نفس زنان سرپرست خانوار

4-1- پیشینه پژوهش

کریتندن^۱ و همکاران [8] در پژوهش خود با عنوان "توانمند سازی زنان کارآفرینان کوچک در اقتصادهای نوظهور: نقش فناوری ارتباطات اطلاعاتی" نتایج نشان داد که تصمیمات استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تحت تاثیر ادراکات زنان از سهولت استفاده و سودمندی ICT قرار گرفتند. علاوه بر این، تأثیر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در برابری سرمایه اجتماعی از طریق خود کارآیی تعدیل شد، در حالیکه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات تاثیر مستقیمی بر خودکفایی و پیوند سرمایه داشت. پل ارتباطی و پیوند اجتماعی و خودکارآمدی تأثیر متفاوتی بر توانمندسازی زنان در نظر گرفته شده به عنوان درونی سازی هدف، کنترل درک، شایستگی و تاثیرگذاری دارد. این یافته ها حتی پس از کنترل متغیرهایی که به طور بالقوه مخالف در ادبیات مشخص شده اند، قوی بوده اند. مفاهیم نظری و عملی این یافته ها مورد بحث قرار گرفته است.

ساریپالی^۲ و همکاران [9] در پژوهش خود با عنوان "توانمندسازی تداوم کارآفرینی زنان در هند: دیدگاه هایی از Lijjat، Mulukanoor و MPWPCL" بیان نمودند که هدف از این پژوهش بررسی سه شرکت اجتماعی در هند است که هدف آنها توانمند سازی زنان کارآفرین معیشتی است. این مطالعه نشان داد که هر سه سازمان در تلاشند تا با سازماندهی تولیدکنندگان معیشتی که از قدرت بازار برخوردار نیستند، دارایی اعضا را افزایش دهند. این سازمان ها با موفقیت از قدرت روابط خود با جامعه مدنی و بازارها در حفظ تجارت استفاده می کنند. توانمند سازی زنان از طریق درآمد منظم، صدای جمعی، توانایی تصمیم گیری و ایجاد ارزش اجتماعی حاصل شد.

داتا و گایلی^۳ [10] در پژوهش خود با عنوان "توانمندسازی زنان از طریق کارآفرینی اجتماعی: مطالعه موردی شرکت های تعاونی زنان در هند" بیان نمودند که شرکت های تعاونی زنان، فرصت های خود اشتغالی را فراهم می کنند که به توانمند سازی و شمول و انسجام اجتماعی زنان کمک می کنند. هدف این مقاله، توسعه درک، کارآفرینی زنان با تاکید بر انواع ناشناخته شدهی شرکتها و زمینه های مختلف از جمله سرمایه گذاری های کارآفرینانه ی اجتماعی در هند است توانمندسازی زنان از طریق کارآفرینی اجتماعی). تحلیل مطالعه ی موردی برای ارزیابی در زمینه ی اصلی استفاده شد: 1- عناصر توانمند سازی در مدل کسب و کار مخاطره آمیز و ۳- ادراک از توانمند سازی گزارشات شخصی اعضا نشان می دهد که این فرم جمعی از کارآفرینی آنها را به سه شیوه توانمند کرده است. امنیت اقتصادی، توسعهی رفتار کارآفرینانه و افزایش کمک به خانواده توانمندسازی زنان از طریق کارآفرینی اجتماعی).

خیری دوست لنگرودی و همکاران [11] در پژوهش خود با عنوان "درآمدی بر مبانی نظری شاخص توانمندسازی زنان" عنوان نمودند که یکی از راه های قضاوت در مورد توسعه اقتصادی استفاده از شاخص است و استفاده از شاخص نیازمند داشتن درکی از چگونگی محاسبه و دلالت های آن است. در این مقاله شاخص توانمندسازی زنان مورد بررسی قرار گرفته است. مهمترین نتایج

¹ Crittenden

² Saripalli

³ Datta & Gailey

این تحقیق این است که شاخص توانمندسازی زنان بر محور نظریه قابلیت‌ها و عاملیت آماریا سن و اقتصاد فمینیستی قرار دارد. این شاخص جهان‌شمول نیست و به وضعیت وابسته است. مبانی نظری آن در گزارش توسعه انسانی 1995 دارای تناقضاتی است که با عدالت اسلامی قابل حل است.

آرامش و همکاران [12] در پژوهش خود با عنوان "شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان با تاکید بر رویکرد کارآفرینی اجتماعی" عنوان کردند که امروزه اغلب کشورها، برای دستیابی به توسعه پایدار، توانمندسازی را کارآمدترین روش یافته اند، که در برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران به خصوص در مورد اقشار آسیب پذیر، بدان اشاره شده است. زنان سرپرست خانوار نیز جز اقشار آسیب پذیر به حساب می آیند از طرفی کارآفرینی اجتماعی را به عنوان نوآوری های خلاقانه در جهت حل مسائلی با ماهیت اجتماعی می توان تعریف کرد که یکی از این مسائل با ماهیت اجتماعی، توانمندسازی زنان می باشد. فرایند توانمندسازی می تواند با ارائه کالا و خدمات یا اعطای اعتبارات خرد به این افراد، جهت خوداشتغالی آن ها ارائه شود، پس می توان گفت توانمندسازی زنان در حیطه کارآفرینی اجتماعی قرار دارد. بنابراین این پژوهش مروری علاوه بر به پرداختن به موضوع کارآفرینی اجتماعی و بررسی وضعیت زنان سرپرست خانوار و توانمندسازی زنان و معیارهای توانمندسازی آنها، به دنبال شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان با رویکرد کارآفرینی اجتماعی است. نتایج پس از بررسی پیشینه های مرتبط با موضوع این عوامل را در دو بعد زیرساختی و حمایتی تقسیم بندی کرده است.

قاضی نژاد و سنگری سلیمانی [13] در مقاله ای با عنوان رابطه شغل و سلامت اجتماعی زنان، رابطه میان مطلوبیت شرایط شغلی (حقوق و مزایا، امنیت شغلی، حمایت سازمانی و...) و سلامت اجتماعی زنان را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که زنان شاغل به واسطه شغلشان، از روابط اجتماعی بالا، مشارکت در تصمیم گیری، استقلال اقتصادی و حمایت اجتماعی موثری برخوردار بوده اند. بهبود شرایط شغلی و توانمندی زنان میتواند حوزه های دیگر زندگی اجتماعی، فرهنگی زنان را دربرگیرد و درنهایت برای جامعه بزرگتر مفید باشد و آن را به رشد و تعالی برساند.

2- زنان سرپرست خانوار

زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانواده ی خود هستند [14]. زنان سرپرست خانوار از همان لحظه که همسر خود را از دست می - دهند مجبور به ایفای نقش -های چندگانه در خانواده می - شوند که این نقش -ها در تعارض با یکدیگر قرار دارند. ایشان علاوه بر نقش مادری باید نقش تأمین -کننده خانوار را ایفاء کنند و به دلیل نداشتن مشاغل با منزلت مجبور به اشتغال در کارهای حاشیه ای و نیمه وقت و کم -درآمد می گردند. میزان اشتغال در جمعیت از نظر اقتصادی فعال برای زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۹۶ درصد و 4/97 درصد است این میزان برای کل زنان کشور 1/8 درصد شهری و 7/10 درصد روستایی است که بالاترین نرخ اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به کل زنان در کشور را نشان می - دهد که این دلیل شرایط زندگی خاص و ضرورت پاسخگویی به نیازهای اعضای خانوار می باشد. البته اکثر این مشاغل موقتی و بدون پشتوانه بیمه ای و به صورت غیر-رسمی هستند [15].

3- توانمند سازی زنان

از توانمندسازی تعاریف مختلفی ارائه شده است. طبق تعریف بانک جهانی، توانمندسازی عبارت است از بالا بردن توانایی افراد و گروه ها برای تصمیم گیری و انتقال این تصمیمات به فعالیت ها و نتایج دلخواه؛ یعنی تصمیمات خود را به فعالیت ها و نتایج دلخواه انتقال دهد [16]. توانمندسازی عبارتست از آزاد کردن قدرت افراد که به واسطه دانش و انگیزه خود صاحب آن قدرت هستند [17]. توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد با افزایش قابلیت های خود می توانند به نیازهای خود پاسخ داده و به حقوق و قدرت برابر دست یابند [18]. در واقع توانمندسازی به دنبال آن است که مردم و به ویژه اقشار آسیب پذیر بتوانند خود آغازگر، کنترل کننده و رهبر توسعه خود باشند؛ در عین حال توان مشارکت آزادانه در پروژه ها و طرح های توسعه را نیز داشته باشند

[19]. توانمندسازی تلاشی است تا افراد، خانواده ها، گروه ها یا جوامع بتوانند قدرت به دست آورند. تحقیقات و تجارب مربوط به توانمندسازی نشان می دهد که یک فرآیند ویژه در این تغییر سهیم است [20].

بین توسعه اقتصادی و توانمند سازی زنان رابطه دوسویه وجود دارد که به عنوان بهبود توانایی زنان در دسترسی به ترکیبات توسعه - به ویژه بهداشت، آموزش، فرصت های کسب، حقوق و مشارکت سیاسی تعریف شده است. در یک جهت، توسعه به تنهایی می تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری بین زن و مرد داشته باشد. در جهت دیگر، ادامه تبعیض علیه زنان می تواند، همانطور که آمارتیا سن استدلال کرده است، می تواند مانع توسعه شود. به عبارت دیگر، توانمند سازی می تواند توسعه را تسریع کند [21].

سارا لانگه، یکی از نظریه پردازان در امور زنان، که معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می باشد، طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با تعداد و شمار آن ها در جامعه متناسب باشد. در نهایت، برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است [22].

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان فقیر قادر می شوند اتکاء به نفس خود را افزایش دهند و حق مستقل برای انتخاب کسب کنند، خود را سازماندهی کنند و منابعی را کنترل نمایند. این مجموعه به آن ها برای کاهش فقر، حذف فرودستی و تحولات نهادی کمک خواهد کرد. این چنین فرآیندی زنان فقیر را قادر می سازد که خودمختاری، کنترل و اعتماد به نفس کسب کنند و با احساس قدرت فردی و جمعی در کنار گروهی از زنان و مردان برای تفوق بر شرایط اجتماعی مسلط و تبعیض گرا اقدام کنند [23]. نظریه های تفاوت های فرهنگی و اجتماعی، در زمینه توانمندسازی بر این نکته تاکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری های موجود بلکه ساختار مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سوال برده و با آن مبارزه کنند [24]. در این نظریه توانمندسازی بیشتر به لحاظ کردن توان زن در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی خود تعریف میشود و در پی توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانه و جامعه است [25].

4- کیفیت محیط کاری

شرایط و ویژگی های زندگی امروزی انسان ها در مقایسه با گذشته تفاوت های زیادی کرده و شرایط متفاوت، نیازها و خواسته های متفاوتی را نیز به دنبال داشته است. در دنیای امروز با چنین تغییرات سریع، تطبیق پذیری بر اساس تغییرات، یک نیاز حیاتی برای محیط های کاری است. از این رو در سال های اخیر با توجه به وسعت تغییرات در سازمان ها، سازگار نمودن محیط کار با تمامی جوانب نیازهای کاربران در کانون توجه قرار گرفته است. چراکه محیط فیزیکی به سبب ساختار خود می تواند تعاملات و در پی آن فرآیند انجام فعالیت ها را تقویت و یا تضعیف نماید [26].

برای مثال ظهور رایانه و افزایش کاربری آن در تمام شئون زندگی انسان، در طراحی فضاهای کاری و اداری جدید نیز تأثیر گذار بوده است. امروز در همه دفاتر، بایگانی، محاسبات، آمارگیری، نامه نگاری، اطلاع رسانی و کارهایی از این دست بر خلاف گذشته توسط رایانه انجام می گیرد؛ بنابراین دیگر نیازی به پیش بینی فضاهایی وسیع و قفسه های حجیم برای بایگانی استاد و مدارک و محل هایی برای کارهای دستی بسیار وسیع نیست، در عوض خلق فضا و مبلمان مناسب و قابل انعطاف برای بهترین کارایی به هنگام کار با رایانه و سامانه های جدید عملکردی ادارات، نظیر رسانه های پیرامونی مد نظر طراحان قرار گرفته است [27].

تقریباً یک سوم عمر هر کارمند در محیط کاری سپری می شود، لذا فراهم آوردن شرایط مطلوب در محیط کار، میزان غیبت و ترک خدمت کارکنان را کاهش می دهد و منجر به ماندگاری در سازمان می شود. بی تردید وجود عوام رفاهی و تأمین معیشت، تا حد زیادی آسایش فکری و آرامش خیال کارکنان هر سازمان را تأمین می کند و موجب رضایت شغلی می شود [28]. معمولاً برای آن که کارکنان در محیط کار خود به راحتی با بازدهی بالا به کار بپردازند و نتایج خوبی را متوجه سازمان هایشان کنند، لازم است تا در محیطی سالم و مناسب، چه از نظر فیزیکی و چه از نظر روانی قرار گیرند. چنین محیطی باید از لحاظ فیزیکی، امکانات اولیه را دارا باشد. از لحاظ حقوقی و انگیزشی باید دارای یک سیستم دقیق عادلانه پرداخت حقوق، پاداش و پرداخت های انگیزشی باشد و از لحاظ سبک مدیریتی، بین همکاران با هم و با رده های مدیریتی ارتباط سالم باشد [29].

5- معماری به مثابه ی توانمندسازی

فضاهای معماری برای انسانهایی ساخته می شوند که ضمن دارا بودن برخی ویژگی های مشترک، خصوصیات خاص و متمایز نیز دارند و افزون بر الگوهای رفتاری عمومی مربوط به نحوه ی استفاده از فضا، الگوهایی خاص نیز دارند، درحالی که در طراحی بسیاری از انواع فضاهای معماری، کمتر به جنبه های روانشناسانه ی استفاده کنندگان از فضا توجه می شود. تحلیل توصیفی یافته ها همراه با نتایج ثبت شده حاصل از مصاحبه و مشاهده ی مددجویان توانمند شده، توسط مددکاران نشان داد که اجرای برنامه های توانمندسازی، همانگونه که در سایر کشورها نتایج مثبتی به همراه داشته است، اجرای آن در مورد زنان بی سرپرست نه تنها به اشتغال و افزایش سطح درآمد و ارتقاء آنها به سطوح طبقاتی بالاتر اجتماعی اقتصادی جامعه منجر می شود، بلکه به کمک آموزش شغلی از وابستگی آنها به سازمان های حمایتی کاسته شده و به لحاظ اقتصادی اجتماعی خود را همچون سایر افراد جامعه می بینند. بر اساس قوانین داخل کشورها و پیمان نامه ی جهانی حقوق زنان وظیفه ی نهادهای دولتی است تا حداقل ابتدایی ترین نیازهای آنها را فراهم آورند [30].

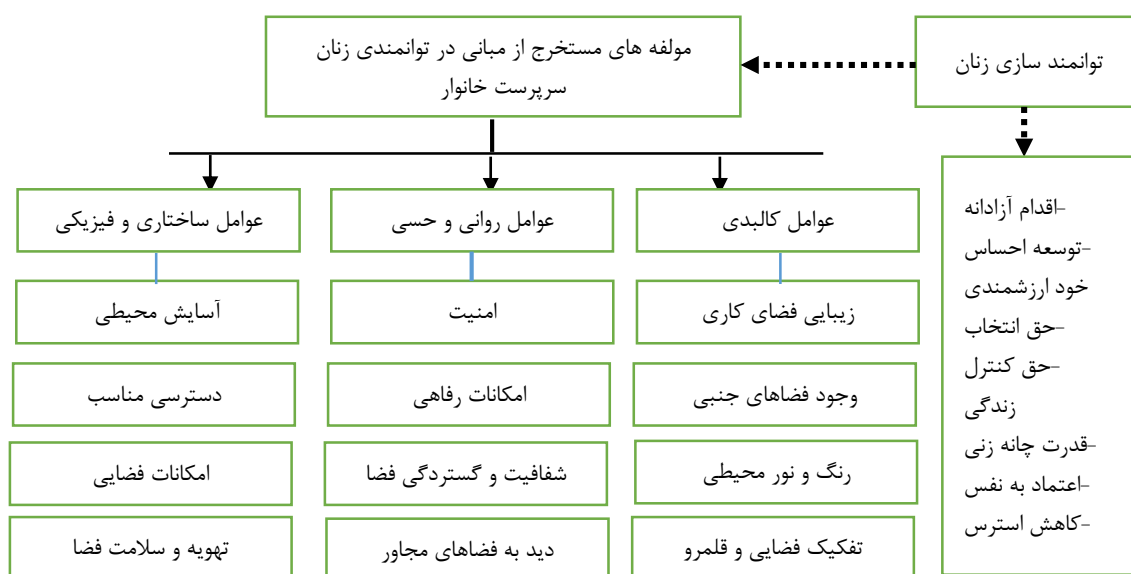
6- چهارچوب نظری تحقیق

از جمله نظریاتی که در خصوص توانمندسازی زنان مطرح شده، نظریه تواناسازی است. این نظریه براساس شرایط کشورهای درحال توسعه و ناشی از تجربیات سازمان های دست اندرکار مسایل زنان مطرح شده است. با توجه به این نظریه که ترکیبی از نظریه های رفاه، برابری و فقرزدایی است لازم است که علاوه بر سطوح بالای سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی زنان نیز برای بسیج سیاسی، آگاه سازی و آموزش همگانی تلاش نمایند. به عبارتی علاوه بر تغییر قوانین، جهت تواناسازی زنان، لازم است با ارتقای آگاهی های زنان و مردان توسط سازمان های دولتی و غیردولتی راه نیل به این هدف را هموار نمود. اهداف کوتاه مدتی که در این نظریه دنبال می شود شامل آموزش های کوتاه مدت در بخش های رسمی و غیررسمی، و تمرین حضور در صحنه های اجتماعی است که البته این اهداف بیشتر به نیازهای عملی جنسیتی مربوط می شود. به این ترتیب تلاش می شود تا با تواناسازی زنان از راه ترویج فکرهای نو، آموزش های مهارتی برای فعالیت در بخش های اقتصادی، ارتقای آگاهی همه اعضای جامعه از نقش های زنان و بهبود سطح رفاه آنها، پایه های استواری برای اقدامات بعدی در تأمین نیازهای راهبردی و حذف نابرابری ها در همه عرصه ها فراهم شود [31].

در جامعه سنتی بخشی از استفاده کنندگان فضا به صورت محدود و تعریف شده در فضاهای عمومی حضور می یافتند. با تبدیل جامعه سنتی به جامعه مدرن حضور زنان در عرصه های اجتماعی پررنگ شده اما فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور طراحی نشده اند و زنان به طور مکرر در بهره برداری از فضاها و اماکن عمومی محدودیت ها و ناسگاری هایی را تجربه می کنند. انتظارات فرهنگ حاکم بر جامعه و همچنین خصوصیات زنانگی زنان برا به سوی هنجار پذیری سوق می دهد و به جهت سازش با محیط مجبور به تغییر دادن خود به نفع محیط می شوند؛ به این مفهوم که از نیازها و انتظاراتی که از محیط دارند صرف نظر کرده و یا از محیط خارج می شوند [32]. و از نظر براون قلمرو (ایجاد محدوده مشخص) در محیط کاری برای زنان مشخص شده است [33].

بر اساس نظریه لی^۱ کنترل بر فضای کاری فیزیکی، دسترسی آسان و انعطاف پذیری در بهینه سازی محیط کاری باعث پویایی و حفظ حریم خصوصی کارمندان به ویژه زنان می شود که این امر در روند بازدهی شغلی تاثیر بسزایی دارد [34]. طبق نظریه مارو "زنان از نظر اجتماع پذیری فضا و احتمال کنترل و نظارت اجتماعی آن ارتباط بالایی با میزان مطلوبیت آن فضا وجود دارد، زنان خصوصیت بیولوژیکی و مسئولیت ها و نگاه متفاوتی در مقایسه با مردان نسبت به فضا دارند که در نوع ارتباط آنها با فضا تاثیر می گذارد. آنها تسهیلات خاصی را از فضا انتظار دارند که با خصوصیت جنسیتی و نیازهای عاطفی و روحیشان متناسب باشد. مراکز توانمندی در حقیقت برای مردم طراحی می شوند. لذا طراحان اینگونه فضاها نیاز به درک درستی از نیازهای جسمی، عاطفی و فکری از مخاطبان بسیار متفاوت این فضاها دارند تا محیطی فرح بخش، آموزشی و لذت بخش ارائه دهند. از نظر کیم فضای کار به صورت دفتر خصوصی محصور از لحاظ کیفیت فضای محیط داخلی به ویژه از لحاظ کاهش آلودگی صوتی، حفظ حریم خصوصی و... نسبت به دفاتر با پلان باز مناسب ترند [35]. طراحان محیطی معتقدند خصوصیات کالبدی محیط از یکسو و الگوها، رمز های فرهنگی و توانایی های ذهنی از سوی دیگر، در شناخت کیفیت های محیطی اثرگذارند [36].

و کرل و وایتزمن، برای افزایش ایمنی و امنیت در فضاها سه عامل را پیشنهاد می کنند: 1- آگاهی از محیط، 2- امکان مشاهده به کمک دیگران و 3- دسترسی آسان به کمک در صورت نیاز [37]. جین جیکوبز، نظریه پرداز بزرگ شهری، در تبیین امنیت شهری به این عوامل توجه و بر وجود آنها تأکید کرد: تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی سازنده محیط و فعال بودن فضا به صورت عاملی در ایجاد محیط امن و موفق [37]. عامل زمان فعالیت و مکان انجام آن نیز از اهمیت بالایی برخوردار است؛ به طوری که با احساس امنیت مرتبط بوده و به خصوص برای زنان در انتخاب و انجام فعالیت تأثیرمستقیم می گذارد. با توجه به چهارچوب نظری تحقیق عواملی مانند امنیت، قلمرو، فضای جنبی، رنگ و نور، زیبایی، شفافیت، امکانات فضایی، دسترسی، تهویه و سلامت، آسایش محیطی، دید به فضاهای مجاور در توانمند سازی زنان نقش موثری داشتند و لذا محوریت تحقیق به بررسی همه شاخص ها تحت سه مولفه تخلص شده به شرح نمودار 1 می پردازد. در بهینه سازی فضای کاری زنان سرپرست خانوار توجه به مولفه های روانشناختی (امنیت، امکانات رفاهی، دید به فضاهای جنبی)، کالبدی (زیبایی، تفکیک و خصوصی سازی، نور و رنگ فضا، وجود فضاهای جنبی استراحت و ...) و عوامل فیزیکی (مبلمان و آسایش محیطی، دسترسی آسان، امکانات فضایی در جهت اقامت و درمان، تولید و فروش) از راهکارهای موثر در طراحی مراکز توانمندی می باشد و دسته بندی آنها با توجه به مبانی نظری و چارچوب نظری تحقیق بصورت ذیل خلاصه گردید:



¹ Lee.

نمودار 1: مدل نظری پژوهش. مولفه های فضایی موثر در مرکز توانمندی زنان سرپرست خانوار. منبع: نگارنده

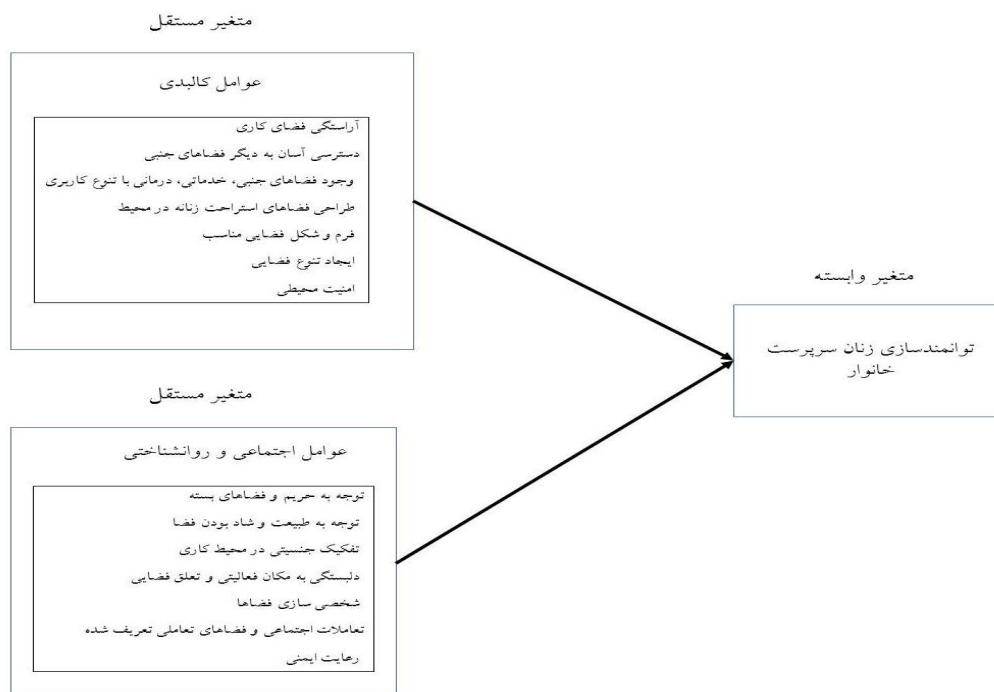
در این بین عوامل کالبدی و عوامل روانی محیط به عنوان مولفه هایی با شاخصه های موثر از بعد طراحی و دیزاین محیط توانمندسازی زنان مورد توجه بیشتری هستند

7- مدل مفهومی

شکل زیر مدل مفهومی پژوهش را نشان می دهد که بیانگر روابط بین عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی و روانشناختی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است:

بر مبنای مدل مفهومی فرضیه های تحقیق مورد بررسی قرار می گیرند:

- H1: آراستگی فضای کار بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H2: دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H3: وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H4: طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H5: فرم و شکل فضایی مناسب بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H6: ایجاد تنوع فضایی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H7: امنیت محیطی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H8: توجه به حریم و فضاهای بسته بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H9: توجه به طبیعت و شاد بودن فضا بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H11: تفکیک جنسیتی در محیط کاری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H111: دلبستگی به مکان فعالیتی و تعلق فضایی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H12: شخصی سازی فضاها بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H13: تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
- H14: رعایت ایمنی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد



شکل 1: مدل مفهومی تحقیق

8- ابزار و روش

این تحقیق از دیدگاه هدف، تحقیق کاربردی- توسعه‌ای و از دیدگاه ماهیت، تحقیقی توصیفی- همبستگی است چرا که میزان و نحوه تاثیرگذاری متغیرها بر روی یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. گردآوری داده‌ها به صورت میدانی و با استفاده از پرسشنامه است. جامعه آماری این تحقیق زنان سرپرست خانوار شهر سرخورد است، چرا که این زنان دارای بیشتر اطلاعات و آگاهی را در ارتباط با موضوع داشته و به طور مستقیم با دغدغه‌ها و مسائل آنها آشنا هستند. با بررسی‌های صورت پذیرفته تعداد جامعه آماری در حدود 100 نفر بوده است. با در نظر گرفتن تعداد جامعه آماری و جدول مورگان حداقل حجم نمونه 80 عدد مشخص گردید. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری برای جامعه آماری توزیع شد که تعداد 83 پرسشنامه جمع‌آوری گردید که از میان سه عدد از آنها دارای داده‌های گم شده زیادی بوده که حذف شدند. در نهایت تعداد 80 پرسشنامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. از روش نمونه‌گیری غیر احتمالی در دسترس برای نمونه‌گیری استفاده شده است. برای اندازه‌گیری و سنجش متغیرها از پرسشنامه‌ای محقق ساخته با 46 سوال بهره گرفته شده است. در این تحقیق از متد حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. این متد در تحقیقاتی که دارای تعداد کم حجم نمونه، داده‌های غیر نرمال، تعداد کم گویه‌ها، مقاصد پیش بینی بکار می‌رود [38]. در این تحقیق به علت حجم نمونه پایین از این متد استفاده شده است. برای اجرا این متد از نرم افزار اسمارت پی ال اس ورژن سه استفاده شده است.

9- یافته‌ها

یافته‌های این تحقیق در دو دسته تقسیم شده است. دسته اول به روایی و پایایی و بخش دوم به بررسی آزمون فرضیه‌ها پرداخته‌اند. برای بررسی روایی و پایایی متغیرها و گویه باید از آزمون‌های متوسط واریانس استخراج شده، ضریب ترکیبی، بار عاملی و آلفای کرونباخ استفاده شود [39]. همانطور که در جدول 1 قابل مشاهده است مقادیر ضریب ترکیبی و آلفای کرونباخ همه متغیرها به ترتیب از 0/705 و 0/832 بزرگتر است که از حد بحرانی 0/7 بیشتر است که نشانگر پایایی مناسب متغیرها

است. مقادیر بار عاملی گویه‌ها نیز که در شکل 3 (شکل ضریب مسیر قابل مشاهده است) بیشتر از حد بحرانی 0/6 است که بیانگر پایایی مناسب گویه‌هاست.

جدول 1: نتایج بررسی پایایی متغیرها

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب ترکیبی
آراستگی فضای کار	0.883	0.928
امنیت محیطی	0.813	0.889
تعاملات اجتماعی	0.860	0.915
تفکیک جنسیتی در محیط کاری	0.841	0.904
تنوع فضایی	0.887	0.930
توانمندسازی زنان سرپرست	0.849	0.899
توجه به طبیعت و شاد بودن فضا	0.876	0.923
حریم و فضاهای بسته	0.878	0.925
دسترسی به فضاهای جنبی	0.902	0.939
دلبستگی به مکان و تعلق فضایی	0.861	0.915
رعایت ایمنی	0.853	0.912
شخصی سازی فضاها	0.705	0.832
شکل فضایی مناسب	0.846	0.907
فضاهای استراحت زنانه	0.890	0.932
وجود فضاهای جنبی	0.913	0.945

برای بررسی روایی متغیرها از آزمون متوسط واریانس استخراج شده استفاده شده است که مقادیر این آزمون در جدول 2 قابل مشاهده است که تمامی متغیرها دارای ضریب بالاتر از 0/622 هستند که از حد بحرانی 0/5 بیشتر است و روایی متغیرها نیز مناسب است.

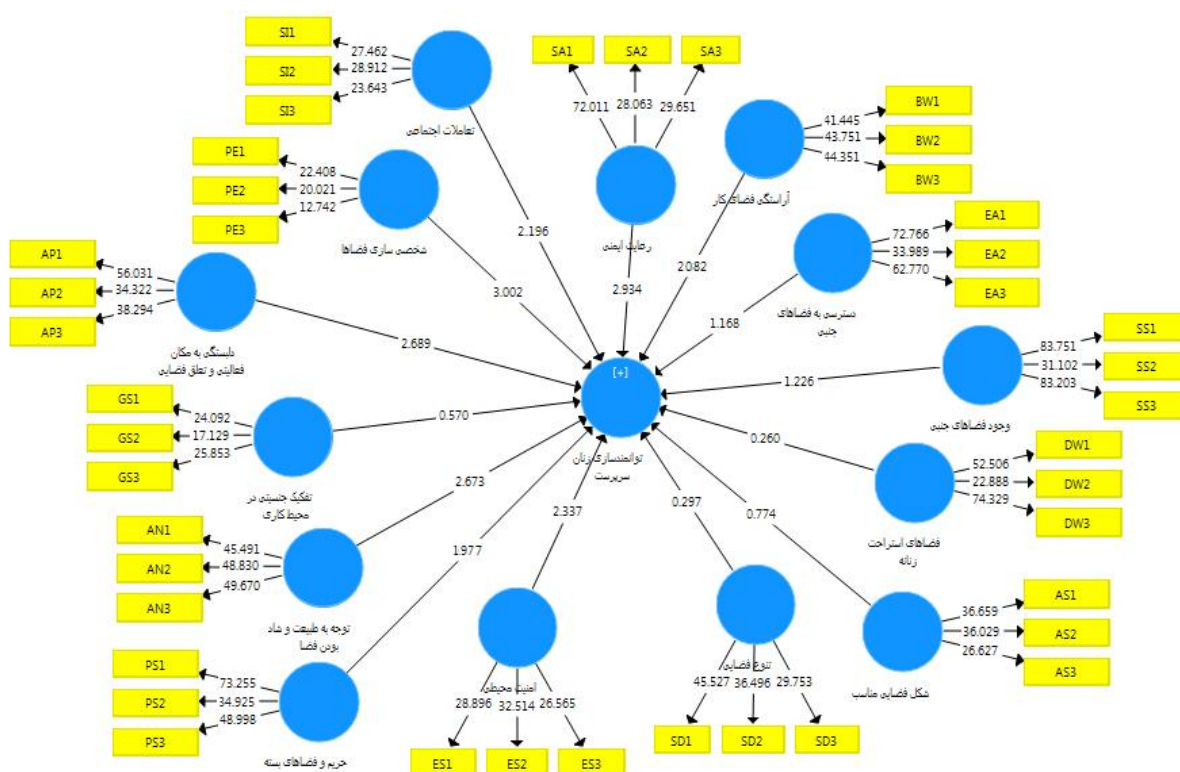
جدول 2: نتایج بررسی روایی متغیرها

متغیر	متوسط واریانس استخراج شده	متغیر	متوسط واریانس استخراج شده
آراستگی فضای کار	0.810	دسترسی به فضاهای جنبی	0.836
امنیت محیطی	0.727	دلبستگی به مکان و تعلق فضایی	0.783
تعاملات اجتماعی	0.782	رعایت ایمنی	0.776
تفکیک جنسیتی در محیط کاری	0.759	شخصی سازی فضاها	0.622
تنوع فضایی	0.816	شکل فضایی مناسب	0.764
توانمندسازی زنان سرپرست	0.689	فضاهای استراحت زنانه	0.820
توجه به طبیعت و شاد بودن فضا	0.801	وجود فضاهای جنبی	0.852
حریم و فضاهای بسته	0.804		

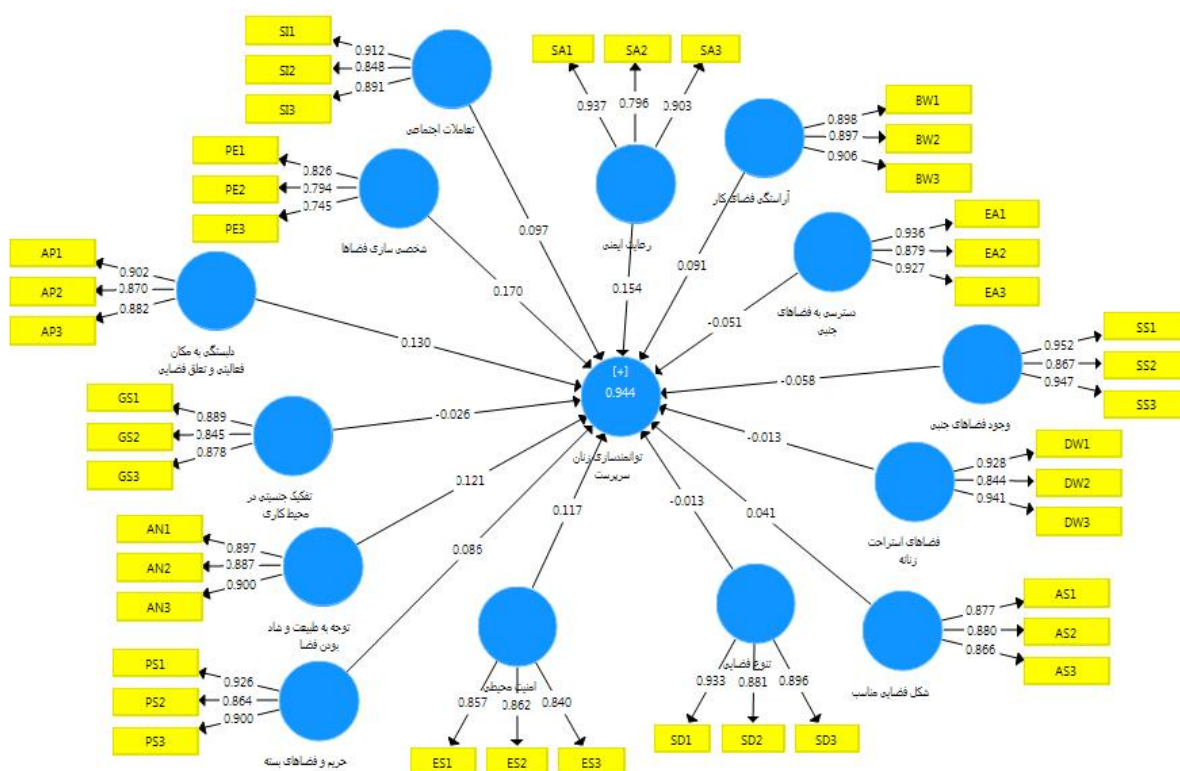
در روش حداقل مربعات جزئی از Q^2 جهت بررسی برازش استفاده می‌شود. معیار Q^2 تنها برای متغیرهای درونزای مدل که شاخص های آن از نوع انعکاسی باشد محاسبه می گردد و در صورتیکه مقدار آن در مورد یک متغیر درون زا صفر یا کمتر از صفر

شود، نشان از آن دارد که روابط بین متغیرهای دیگر مدل و آن متغیر درون زا به خوبی تبیین نشده و در نتیجه مدل احتیاج به اصلاح دارد. هنسler و همکاران [40] در مورد شدت قدرت پیش بینی مدل در متغیرهای درون زا سه مقدار 0.02، 0.15 و 0.35 را تعیین نموده اند که به ترتیب نشان از قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی یک متغیر در قبال شاخص های آن متغیر دارد. با توجه به اینکه فقط یک متغیر درونزا (توانمندسازی زنان) داریم و مقدار شاخص Q2 برای این متغیر برابر با 0.574 است می توان ادعا نمود برازش مدل مناسب است.

برای بررسی فرضیه ها باید از ضریب معناداری و ضریب مسیر استفاده شود که در شکل های 2 و 3 قابل مشاهده هستند. نتایج فرضیه ها در جدول 3 ذکر شده است.



شکل 2: ضرایب معناداری



شکل 3: ضرایب مسیر

جدول 3: نتایج بررسی فرضیه‌ها

نتیجه	آماره تی	ضریب مسیر	متغیرها
تایید	2.082	0.091	H1: آراستگی فضای کار بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
رد	1.168	-0.051	H2: دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
رد	1.226	-0.058	H3: وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
رد	0.260	-0.013	H4: طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
رد	0.774	0.041	H5: فرم و شکل فضایی مناسب بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
رد	0.297	-0.013	H6: ایجاد تنوع فضایی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	2.337	0.117	H7: امنیت محیطی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	1.977	0.086	H8: توجه به حریم و فضاهای بسته بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	2.673	0.121	H9: توجه به طبیعت و شاد بودن فضا بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد

رد	0.570	-0.026	H11: تفکیک جنسیتی در محیط کاری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	2.689	0.130	H111: دل بستگی به مکان فعالیتی و تعلق فضایی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	3.002	0.170	H12: شخصی سازی فضاها بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	2.196	0.097	H13: تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد
تایید	2.934	0.154	H14: رعایت ایمنی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد

10- نتیجه گیری

در این قسمت مروری خواهیم داشت گذرا بر فرضیه های تحقیق و نتایج حاصل از رد یا تأیید آنها و نتایج در ادامه به طور جداگانه برای هر فرضیه مورد بحث قرار خواهد گرفت. در این تحقیق چهارده فرضیه وجود داشت که در ادامه به بررسی و تحلیل و تفسیر نتایج حاصل شده خواهیم پرداخت.

➤ فرضیه H1: آراستگی فضای کار بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین آراستگی فضای کار و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص آراستگی فضای کار با ضریب مسیر 0/091 و آماره t برابر با 2/082 تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به آراستگی فضای کار ، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت

محیط های کاری، کم کم دیدگاه های مثبت یا منفی را درباره خود و انسانهای دیگر ایجاد می کنند. محیط های آراسته در شکل دادن عقاید و دیدگاه های مثبت درباره کارکنان نقش مهمی دارند و برعکس، محیط های کاری درهم آمیخته و ناایمن دیدگاه های منفی را نسبت به خود و دیگران رقم می زنند.

➤ فرضیه H2: دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی با ضریب مسیر 0/051- و آماره t برابر با 1/168 تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه رد می شود. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که دسترسی آسان به دیگر فضاهای جنبی ، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار سرخورد تاثیری نخواهد داشت .

➤ فرضیه H3: وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری با ضریب مسیر 0/058- و آماره t برابر با 1/226 تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه رد می شود. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان

کرد که وجود فضاهای جنبی، خدماتی، درمانی با تنوع کاربری، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار سرخورد تأثیری نخواهد داشت.

➤ **فرضیه H4: طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری دارد.**

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم‌افزار نشان می‌دهد، شاخص طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط با ضریب مسیر $-0/013$ و آماره t برابر با $0/260$ تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه رد می‌شود. و این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که طراحی فضاهای استراحت زنانه در محیط، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار سرخورد تأثیری نخواهد داشت.

➤ **فرضیه H5: فرم و شکل فضایی مناسب بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری دارد.**

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین فرم و شکل فضایی مناسب و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم‌افزار نشان می‌دهد، شاخص فرم و شکل فضایی مناسب با ضریب مسیر $0/041$ و آماره t برابر با $0/774$ تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه رد می‌شود. و این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که فرم و شکل فضایی مناسب، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرستان سرخورد تأثیری نخواهد داشت.

➤ **فرضیه H6: ایجاد تنوع فضایی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری دارد.**

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین تنوع فضایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم‌افزار نشان می‌دهد، شاخص تنوع فضایی با ضریب مسیر $-0/013$ و آماره t برابر با $0/297$ تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که تنوع فضایی، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرستان سرخورد تأثیری نخواهد داشت.

➤ **فرضیه H7: امنیت محیطی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری دارد.**

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین امنیت محیطی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم‌افزار نشان می‌دهد، شاخص امنیت محیطی کار با ضریب مسیر $0/117$ و آماره t برابر با $2/337$ تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه و تأمین امنیت محیطی، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت.

امروزه محیط کار، مثل خانه فرد محسوب می‌شود. در واقع فرد روزی 7 تا 8 ساعت را در محل کار سپری می‌کند. این محل گاهی آزار دهنده شده و فرد در آن احساس نا امنی می‌کند و به دلایل مختلف مانند آزارهای جنسی بعد از مدت کوتاهی، این روند به سوهان روح تبدیل می‌شود. زنانی که با اینگونه مسئله مواجه می‌شوند، به مشکلاتی مانند بدبینی، اضطراب، افسردگی، خشم، احساس بی ارزشی، کاهش اعتماد به نفس، ترس از ورود به عرصه های جدید، مشکلات خواب و بیماری های جسمانی دچار می شوند. علاوه بر اینها بازده کار کاهش می یابد. چه بسا بعد از مدتی، بیکار شدن به دلیل این مسئله، مشکلات زندگی بیشتر می شود. در نتیجه می‌توان با تأمین امنیت محیط کار بهره‌وری و در نتیجه توانمندسازی بانوان سرپرست خانوار را بهبود بخشید.

➤ **فرضیه H8: توجه به حریم و فضاهای بسته بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تأثیر معناداری دارد.**

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین توجه به حریم و فضاهای بسته و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می‌پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم‌افزار نشان می‌دهد، شاخص توجه به حریم و فضاهای بسته کار با ضریب مسیر $0/086$

آماره t برابر با $1/977$ تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه و تامین توجه به حریم و فضاهای بسته ، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت .

قرار گرفتن هر شخص در محدوده شخصی خودش، زمینه ای برای متمرکز شدن و افزایش خلاقیت فرد را مهیا می کند. که این روند کارهای یک مجموعه ی هدفمند را تسریع می بخشد. حریم خصوصی در محیط کار بر دینوع است. نوع اول لازم است توسط مدیران و کارفرمایان ایجاد شود و دیگری لازم است که توسط کارکنان رعایت شود. بدیهی است که ایجاد و حفظ حریم خصوصی در محل کار موجبات فراهم آمدن یک تیم حرفه ای و متمرکز را مهیا می کند. هرچه از حاشیه ها در محیط کار کاسته شود به بازدهی و پیشرفت در محیطی هماهنگ نزدیک تر خواهید شد.

➤ فرضیه H9: توجه به طبیعت و شاد بودن فضا بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین توجه به طبیعت و شاد بودن فضا و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص توجه به طبیعت و شاد بودن فضا با ضریب مسیر $0/121$ و آماره t برابر با $2/673$ تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به طبیعت و شاد بودن فضا ، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت .

➤ فرضیه H10: تفکیک جنسیتی در محیط کاری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین تفکیک جنسیتی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص تفکیک جنسیتی با ضریب مسیر $0/026$ - و آماره t برابر با $0/570$ تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار ندارد و این فرضیه رد می شود. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که تفکیک جنسیتی، بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرستان سرخورد تاثیری نخواهد داشت .

➤ فرضیه H11: دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شاخص دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی با ضریب مسیر $0/130$ و آماره t برابر با $2/689$ تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی ، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت .

➤ فرضیه H12: شخصی سازی فضاها بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین شخصی سازی فضاها و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، شخصی سازی فضاها با ضریب مسیر $0/170$ و آماره t برابر با $3/002$ تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به شخصی سازی فضاها ، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت .

➤ فرضیه H13: تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده

ضریب مسیر 0/097 و آماره t برابر با 2/196 تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت.

➤ فرضیه H14: رعایت ایمنی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تاثیر معناداری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط معنی داری بین رعایت ایمنی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار می پردازد. همانطور که نتایج حاصل از استخراج نرم افزار نشان می دهد، رعایت ایمنی ضریب مسیر 0/154 و آماره t برابر با 2/934 تاثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دارد. و این فرضیه تایید می شود. بنابراین می توان در تفسیر نتیجه این آزمون این گونه بیان کرد که با افزایش توجه به رعایت ایمنی، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بهبود خواهد یافت.

11- پیشنهادات پژوهش

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود:

- مجموعه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بایستی قابلیت هایی را به استفاده کنندگان از این فضا ارائه کند تا آنان را هرچه بیشتر به سمت توانمندسازی سوق دهد. این مجموعه ها باید بتوانند هر چه بیشتر توانایی شخصی سازی فضاها، حس تعلق و دلبستگی به مکان را فراهم آورند تا زنان سرپرست خانوار بتوانند به طور مداوم از اینگونه فضاها استفاده نمایند.
 - معماری همچون سایر رفتارهای انسان محصول کیفیت ادراک او از جهان است. زنان نیاز به تکامل و رشد در یک فضای معماری منطبق بر خصوصیات خود دارند، در طراحی محیط های زنان سرپرست خانوار باید امنیت، رفاه و رشد و تکامل و مورد توجه قرار بگیرد، محیط و بستر مناسب جهت آموزش، مهارت آموزی و پرکردن اوقات فراغت علاوه بر برآورده ساختن مقاصد بر گرفته شده پایه های اشتغال را نیز فراهم خواهد کرد و پاسخگوی نیازهای وجودی آنان را نیز در بر بگیرد.
 - فضاهای توانمندی در جامعه ایرانی بیشتر کار محور بوده و کمتر مورد توجه فنی و حرفه ای قرار گرفته اند و نیاز به یایجاد فضاهای تعاملی همراه با حضور طبیعت بیش از پیش احساس می شود.
- متغیرهای شخصی سازی فضاها، رعایت ایمنی، دلبستگی به مکان فعالیت و تعلق فضایی، توجه به طبیعت و شاد بودن فضا، امنیت محیطی، تعاملات اجتماعی و فضاهای تعاملی تعریف شده، آراستگی فضای کار، توجه به حریم و فضاهای بسته به ترتیب بیشترین تاثیر را بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر سرخورد داشته اند. از اینرو نیاز به توجه بیشتری در طراحی مرکز چندمنظوره توانمندسازی دارد.

مراجع

- [1] عباس زاده، م.، بوداقي، ع.، اقدسی علمداری، ف. (1395) توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر راهکارهای بومی. همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره)، ص 140
- [2] نقیعی، س. ا.، محمدتقی زاده، م.، بسترهای تفنینی و اجرایی تامین زنان بی سرپرست و بدسرپرست. مطالعات راهبردی زنان، شماره 64، 117-158، 1393
- [3] کتابی، م.، یزد خواستی، ب.، فرخی راستایی، ز. پیش شرط ها و موانع توانمندسازی زنان مطالعه ی موردی زنان شهر اصفهان. مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد نوزدهم، شماره ی 2. ص 3
- [4] فیروزآبادی، س. ا.؛ (۱۳۹۶) دیباجی فروشانی، ش. نقد سیاست اجتماعی در باب زنان سرپرست خانوار در ایران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ص 27

- [5] معیدفر، س.، حمیدی، ن. زنان سرپرست خانوار: نگفته ها و آسیب های اجتماعی. نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره 15، شماره پیاپی 32، 131-158، 1386 ص 132
- [6] Fitzpatric JA, Gomez TR. (1997) Still caught in a trip: the continued povertization of women. *Affilia Journal of Women and Social Work*, 12(3): 316-341, 320
- [7] یعقوبی فرانی، ا.، سلیمانی، ع.، موحدی، ر. تحلیل عوامل موثر بر کارآفرینی زنان روستایی. مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان. دوره 12، شماره 4، 42-7، 1393 ص 10
- [8] Crittenden VL, Crittenden WF, Ajjan H. Empowering women micro-entrepreneurs in emerging economies: The role of information communications technology. *Journal of Business Research*, 98: 191-203, 2019.
- [9] Saripalli BS, Chawan V, Gunta S. Empowering subsistence women entrepreneurs in India. *Society and Business Review*, 2019.
- [10] Datta PB, Gailey R. Empowering women through social entrepreneurship: Case study of a women's cooperative in India. *Entrepreneurship theory and Practice*, 36(3): 569-587, 2012.
- [11] خیری دوست لنگرودی، ز.، مومنی، ف.، خادم علیزاده، ا. (1398) درآمدی بر مبانی نظری شاخص توانمندسازی زنان. <https://civilica.com/doc/1010212>
- [12] آرامش، ح.، رس، ع.، کشاورز، س. (1398). شناسایی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان با تاکید بر رویکرد کارآفرینی اجتماعی. نخستین همایش ملی مطالعات جدید در کارآفرینی و مدیریت کسب و کار، سمنان. <https://civilica.com/doc/1001297>
- [13] قاضی نژاد، م.، سنگری سلیمانی، ه. (1395). رابطه شغل و سلامت اجتماعی زنان زن در توسعه و سیاست، دوره 14، شماره 3، 273-288. doi: 10.22059/jwdp.2016.60051
- [14] سازمان بهزیستی، ۱۳۸۰.
- [15] مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.
- [16] World Bank, World Development Report: Gender Equality and Development, 2012. P 97
- [17] Littrell, R. F, (2007), Influences on employee preferences for empowerment practices by the ideal manager in China, *International Journal of Intercultural Relations*, 31 (2):87- 110.p 79
- [18] Drolet J. Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt. *International Social Work*, 54 (5): 629-645, 2011.
- [19] بذرافشان، ج.، طولابی نژاد، م. (۱۳۹۵) تحلیل و بررسی اثرات سرمایه گذاری بر توانمند سازی و رفاه خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: دهستان ملای شهرستان پل دختر). مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، دوره ۵ شماره ۱۵، ۱۷۹-۱۹۵. ص 184
- [20] Cox, S. G., & Turnbull, C. J. (1998). Developing effective interactions to improve breastfeeding outcomes. Part 1: moving midwives towards mothers' autonomy in breastfeeding. Part 2: antenatal empowerment of mothers for postnatal success in breastfeeding. *Breastfeeding Review*, 6(2), 11.p 60
- [21] Duflo E. Women empowerment and economic development. *Journal of Economic literature*, 50(4): 1051-79, 2012. P 1058
- [22] کلدی، ع.، سلحشوری، پ. (1391) بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره 11، شماره 40، 63-92 ص 68
- [23] Malhotra A. Do Schooling and Work Empower Women in Developing Countries? *Gender and Domestic Decisions in Sri Lanka*. *Sociological Forum*, 12(4): 599-630, 2002.p 7
- [24] Diiro GM, Seymour G, Kassie M, Muricho G, Muriithi BW. Women's empowerment in agriculture and agricultural productivity: Evidence from rural maize farmer households in western Kenya, *Plos One*, 13(5): 1-27, 2018. P 5

- [25] نسرين اكبرى تركمانی، وحید قاسمی، احسان آقا بابایی، (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تاکید بر مولفه اشتغال، فصلنامه مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، ۱۶(۳)، ۷-۳۶.
- [26] مردمی، کریم، دلشاد، مهسا. (1389). محیط یادگیری انعطاف پذیر (جهان کودک تجربه پذیر، سیستم آموزشی تغییر پذیر). معماری و شهرسازی ایران، 1(1)، 1-10. doi: 10.30475/isau.2010.61930
- [27] وورت، دی. ج. ام؛ وندر و ون وگان، (1392)، معماریکیفیت گرا، درآمدی بر برنامه ریزی و طراحی و ارزیابی کیفیت عملکردی، ترجمه مهیار باستانی، مشهد: کتابکده کسری.
- [28] Cole D. Quality of working life indicator in Canadian health care organizations, Occupational Medicine, 2: 54-59, 2005 . P 56
- [29] رحیمی، ح.، آقا بابایی، ر. تحلیل رابطه بین مولفه های سرمایه اجتماعی و بهبود کیفیت محیط کار دانشگاه کاشان از دیدگاه اعضای هیات علمی. رفاه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۱۹۹-۲۲۵، ۱۳۹۳. W 205.
- [30] حسینی تهران، نازنین (1396). طراحی مرکز نگهداری زنان بی سرپرست (18 تا 35 ساله) با رویکرد تأثیر فضاهای معماری در توانمند سازی زنان در شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته معماری دانشگاه آزاد واحد مشهد. ص 46
- [31] اشتری، ب. پیامدهای تواناسازی زنان در حرفه وکالت. پژوهش زنان، دوره 1، شماره 5، 125-148، 1382. ص
- [32] کاظمی، موسی (1386). نگاهی به راهکارهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (با تاکید بر نقش تعاونی ها). نشریه تعاون، شماره 191 و 192
- [33] Brown G. Claiming a corner at work: Measuring employee territoriality in their workspaces. Journal of Environmental Psychology, 29: 44, 2009. P 44
- [34] Lee, s., Brand, j. Effects of control over office workspace on perceptions of the work environment and work outcomes. Environmental Psychology, 25 (3), 323-333, 2005.
- [35] Kim J, de Dear R. Workspace satisfaction: The privacy-communication trade-off in openplan offices. Journal of Environmental Psychology, 36: 18 -26, 2013.
- [36] گلکار، ک. مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صفا، دوره 11، شماره 32، 1380.
- [37] Bemanian, M.R., Rafieian, M. & Zabetian, E. (2009). Evaluation of Factors Affecting the Promotion of Women's Safety in Urban Environments (Sanjeshe Avamele Moaser bar Erteghaye Amniate Zanan dar Mohithaye Shahri). Women in Development & Politics, 30. 49-67 . 51
- [38] محسنین، شهریار؛ اسفیدانی، محمدرحیم. (1393). معادلات ساختاری مبتنی بر رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار Smart-PLS. تهران: کتاب مهربان.
- [39] آذر، عادل، غلامزاده، رسول. و قنواتی، مهدی. (1391). مدلسازی مسیری - ساختاری در مدیریت: کاربرد نرم افزار Smart-pls، نگاه دانش.
- [40] Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. (2009). The use of partial least squares path modeling in international marketing. Advances in international Marketing, 20, 277-320.